

## ایران: توازن شرق در مقابل غرب

صنم و کیلی \*

ترجمه: مهدی نادری باب اناری \*\*

**چکیده:** جمهوری اسلامی ایران روابط متقابل چند جانبه‌ای با قدرت‌های بزرگ شرقی - روسیه، چین و هند - برقرار کرده است. این روابط ضمن فراهم کردن فرصت‌های اقتصادی - تجاری برای هر یک از این کشورها سبب شده است که توازنی در مقابل تهدیدهای غرب علیه ایران به وجود آید. هر یک از این دولت‌ها - روسیه، چین و هند - همواره در تلاش‌اند تا ضمن حفظ روابط با ایران، روابط استراتژیک خود را با غرب بالانخص ایالات متحده آمریکا ادامه دهند. در صورتی که ایران موفق به اعمال این تاکتیک (توازن شرق در مقابل غرب) شود این تاکتیک به مثابه یک الگو مورد استفاده دیگر کشورها قرار می‌گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** توازن شرق، امنیت بین‌المللی، تهدید بین‌المللی، قدرت هسته‌ای، منافع ملی.

\* دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته، رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی، ورودی ۱۳۸۳، دانشگاه امام صادق(ع).

\*\* استاد مطالعات خاورمیانه در مؤسسه آموزش عالی مطالعات بین‌المللی (SAIS) Johns Hopkins.

## مقدمه

هیچ زنگ، آژیر و سیستم هشداردهنده‌ای که تغییر نگرش ایران به سمت شرق را اعلام کند وجود ندارد. بعد از تلاش برای توسعه روابط سیاسی و تجاری با آمریکا و اروپا، ایران این رویکرد را کنار گذاشته است. اکنون که ایران ۲۵ سال انزوا، جنگ و تحریم را پشت سر گذاشته است، دیگر هیچ تمایلی ندارد که مسائل امنیت ملی، اهداف هسته‌ای، سیاست حقوق بشر یا پویایی تجاری خود را فدای تمایلات سیاسی و تجاری غرب کند و از این رو حکومت ایران به سوی شرق توجه دارد.

ایران به دنبال شرکای استراتژیکی است که فعالیت‌هایش را پذیرا باشند و از جایگاهی برابر با آنها معامله کند و در این جستجو موفق بوده است. روابط خوب ایران با چین، روسیه و هند پوشش سیاسی و اقتصادی مناسبی برایش به ارمغان آورده است که از دیدگاه رهبران ایران و هم‌تایان شرقی‌شان منافع مشترک بسیاری حول محور جاده استراتژیک ابریشم وجود دارد که این کشورها را قادر می‌سازد ایالات متحده و اروپا را دور بزنند. این تغییر نگرش سیاسی در تعویق بحران هسته‌ای ایران تأثیر داشته است. به عنوان مثال ایران اکنون با موفقیت از روابط تجاری و استراتژیک خود با چین، روسیه و هند در جهت تعدیل تهدیدات هسته‌ای غرب استفاده کرده است.

این سه کشور هر یک پیوندهای مهم داخلی، اقتصادی و مهمی با ایران دارند. آنها کارایی مفیدشان برای ایران را در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت به اثبات رسانده‌اند؛ جایی که با وضع تحریم‌ها و اقدام نظامی علیه ایران مخالفت نموده‌اند. هم اکنون روابط این کشورها با ایران از پیوندهای تجاری به سوی یک اتحاد استراتژیک در حال پیشروی می‌باشد. تغییر سیاست رو به شرق ایران از زمان روی کار آمدن رئیس‌جمهور ملی‌گرا و انقلابی - محمود احمدی‌نژاد - گسترش پیدا کرده است. احمدی‌نژاد در مقایسه با رئیس‌جمهور قبلی - محمد خاتمی - بیشتر مجذوب قدرت و ثبات شرق شده است. سؤالی که اکنون مطرح است این است که در اقتصاد جهانی شده امروز که به حدی متنوع است، آیا این استراتژی می‌تواند در آن به درستی عمل کند یا خیر؟

## ۱- دست کشیدن از رؤیای غرب

در طول قرن‌های متوالی ایرانی‌ها به غرب تمایل داشته‌اند. ایرانیان به اصل و نسب برترشان در این منطقه افتخار می‌کرده‌اند؛ سیاست پادشاهان ایرانی از دوران صفویه تا پهلوی متمایل به غرب و ایالات متحده آمریکا بوده است. در طول قرن بیستم روند مدرنیزاسیون حکومت پهلوی به شدت ملت ایران را متمایل به غرب کرد، که این تمایلات باعث نوشته شدن کتاب غرب‌زدگی جلال آل احمد در ایران شد: "عقاید ملت ایران به سمت و سوی غرب و تکنولوژی آن سوق دارد".<sup>۱</sup>

در برابر این غرب‌گرایی، ملت ایران در انقلاب بزرگ [اسلامی] خود در سال ۱۹۷۵ به هویت مستقلی دست یافت. به دنبال اجرای سیاست نه شرقی و نه غربی رهبر انقلاب آیت‌الله خمینی، ایران با سیاست‌های قدرت‌طلبانه آمریکا مانند ایدئولوژی سیاسی آن در برابر اتحادیه جماهیر شوروی قطع رابطه کرد. پیامدهای تحریم‌های اقتصادی و جنگ ایران - عراق (۱۹۸۸-۱۹۸۰) سرانجام ایران را در آغاز دهه ۱۹۹۰ مجبور کرد تا به پیمان‌های منطقه‌ای روی آورد و به یک دوره طولانی انزوا پایان دهد. با این حال، سیاست‌های اقتصادی آمریکا در سطح بین‌المللی پس از جنگ ایران و سیاست‌های مدرنیزاسیون جهان، شکست خورد. ایران در سال ۱۹۹۵ از شرکت نفتی کنگو خواست که در توسعه حوزه‌های نفتی با ایران همکاری کند، این حرکت می‌توانست نشانه‌ای از بهبود روابط تهران - واشنگتن باشد. فشارهای کنگره به بیل کلینتون، او را مجبور کرد تا به بهانه حفظ امنیت بین‌الملل دستور منع عملیات اجرایی در توسعه منابع نفت خام ایران را صادر کند. این اقدام وی زمینه را برای تصویب قطعنامه ایران - لیبی در سال ۱۹۹۶ فراهم کرد. این قطعنامه تحریم‌هایی را علیه شرکت‌هایی که بیش از ۲۰ میلیون دلار در بخش انرژی در ایران سرمایه‌گذاری می‌کردند به آنها تحمیل می‌کرد. بدون توجه به قطعنامه مذکور برخی شرکت‌های بزرگ نفتی مانند پتروناس، گازپروم و توتال در سال ۱۹۹۸ سرمایه‌گذاری در ایران را آغاز کردند. بنابراین، تحمیل فشارهای سخت از جانب آمریکا باعث شد که ایران به فکر پیدا کردن شرکای دیگر (در سطح نظام بین‌الملل) باشد.

اتحادیه اروپا گزینه دیگری را در مقابل ایران قرار داد تا با انتخاب این گزینه توسط دولت ایران، برخی از کمبودهای موجود در ایران مقداری کاهش یابد. قبول این توافق از

طرف ایران تنها برای مدت کوتاهی موفقیت آمیز بود، با طرح برخی ادعاها توسط اروپا علیه ایران مبنی بر نقض حقوق بشر و مواردی از این دست، اتحادیه اروپا به تدریج شروع به جلوگیری از فرآیند سرمایه گذاری در ایران از سال ۱۹۹۷ کرد. کاهش ریسک سرمایه گذاری در ایران مشروط به اصلاحات سیاسی و اجتماعی در این کشور شد و برای اینکه حکومت ایران، اتحادیه اروپا را راضی کند، می بایست از برخی مواضع انقلابی خود کوتاه می آمد. به نظر می رسد هنگامی که قیمت نفت در بازار جهانی کاهش یافت، این فشارها بر ایران تشدید گردید. در سال ۱۹۹۷ با روی کار آمدن آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهوری اصلاح طلب، رویداد سیاسی و اجتماعی قابل ملاحظه ای در ایران به وقوع پیوست. در سال ۲۰۰۱ برای دومین بار آقای خاتمی با اکثریت آراء روی کار آمد و به کار خود ادامه داد.

## ۲- فراز و نشیب های تهران

انتخابات ریاست جمهوری نهم در ژانویه ۲۰۰۵ جهت گیری های آینده کشور را تغییر داد. بعضی از تحلیلگران پیش بینی کرده بودند که رئیس جمهور سابق، آقای هاشمی رفسنجانی، در انتخابات پیروز خواهد شد اما در عوض شهردار سابق تهران، آقای احمدی نژاد، که وی نیز متدین و وفادار به نظام جمهوری اسلامی ایران می باشد، به پیروزی رسید. آقای احمدی نژاد بلافاصله بعد از به دست آوردن قدرت، برنامه جدید خود مبنی بر تقویت بنیان های اسلامی نظام، جلوگیری از ایجاد تحریف در ارزش های انقلاب اسلامی و به نوعی بازگشت به ایدئولوژی های انقلاب اسلامی را با الهام از امام خمینی رهبر کبیر انقلاب در سرلوحه کار خویش قرار داد. با انتخاب احمدی نژاد در واقع یک رئیس جمهور ملی گرا - مذهبی غیرروحانی به قدرت رسید و از نخبگانی در اداره کشور استفاده کرد که معتقد به مفاد ایدئولوژی مهدویت بودند.

در حوزه خارجی نیز احمدی نژاد خواهان کمک رسانی به سایر کشورهای اسلامی است. و این تمایل و بازتعریف منافع ملی ایران، تمایل به سوی شرق را تقویت می کند. همان طوری که از جملات اخیر احمدی نژاد برمی آید: "ملت ما مسیر پیشرفت را می پیماید و در این مسیر هیچ نیازی به آمریکا ندارد." اگر چه در بخش عمده ای از ۱۶ سال گذشته، ایران با پیگیری سیاست تنش زایی کوشید تا روابط خود با دنیای غرب را بهبود بخشد اما با

مواجه شدن با سردی، نگاه تحقیرآمیز و عملکرد خصمانه غرب، دیگر ایران تمایلی ندارد که وجهه عمومی کشور، امنیت ملی و منافع تجاری خود را قربانی رابطه با غرب سازد. در واقع، ایرانیان امیدوارند که با سیر مسیر پیشرفت، ایران به قدرتی منطقه‌ای و کانون اقتصادی و تکنولوژی در منطقه تبدیل شود. دیدگاه اقتصادی احمدی‌نژاد که دربرگیرنده گسترش روابط امنیتی و تجاری با چین، روسیه و هند می‌باشد، آشکارا با دیدگاه سیاسی او همخوانی دارد و می‌تواند به نقش ایران در اقتصاد جهانی کمک کند.

### ۳- تعادل و کنترل چین

روابط پکن با تهران نیازمند برقراری رابطه‌ای دقیق میان تقاضای رو به رشد انرژی در چین و سیاست خارجی این کشور در قبال ایران می‌باشد. اشتباهی سیری‌ناپذیر پکن برای تأمین انرژی مستلزم برقراری روابط حسنه با کشورهای نفت‌خیز از جمله ایران است. با توجه به اینکه ایالات متحده به دنبال آن است که تا جای ممکن همه سرمایه‌گذاری‌ها در ایران اسلامی را محدود کند، روابط چین و آمریکا، به واسطه تلاش چین برای سرمایه‌گذاری در ایران رو به تیرگی نهاده است.<sup>۳</sup> اخیراً سفیر کبیر چین لی جن‌تائو بر اهمیت امنیت بازار ایران برای کشورش تأکید کرده و گفته است: "منابع طبیعی فراوان، بازار بزرگ، موقعیت بی‌بدیل جغرافیایی، نیروی کار تحصیل کرده و تأکید بر گسترش همکاری چند جانبه‌های توسط ایران، از امتیازات روابط با این کشور است."<sup>۴</sup>

در سال ۱۹۹۳ چین به عنوان یکی از وارد کنندگان عمده نفت در جهان شناخته شد. چین با برقراری رابطه با کشورهای نفت‌خیز و منزوی شروع به بهره‌برداری از بازارهای انرژی کشف نشده در جهان کرد. ایران به عنوان چهارمین کشور دارنده ذخایر نفت و دومین دارنده ذخایر گاز طبیعی در جهان، یکی از شاخص‌ترین کشورها در بازار نفتی جهان است. به هر حال نزدیکی استراتژیکی و افزایش مناسبات سیاسی و اقتصادی، واقع شدن ایران در میان دریای خزر و خلیج فارس، سبب شده است توجه چین بیش از پیش به ایران معطوف شود. امروزه برقراری روابط تجاری و انرژی بین ایران و چین منجر به تحرکات بیشتری در حوزه روابط بین این دو کشور شده است. قرارداد بلند مدت تبدیل

گاز طبیعی به گاز مایع به ارزش ۱۰۰ میلیارد دلار و فروش روزانه ۱۵۰۰۰۰ بشکه نفت خام به چین به قیمت بازار به امضاء دو طرف قرارداد رسیده است. این قرارداد نشانه عملکرد جدی سیاسی و تجاری بین ایران و چین در روابط بین این دو کشور می‌باشد و تقاضاهای امنیتی و انرژی دو کشور را تأمین می‌کند.

مرحله دوم استراتژی همکاری انرژی ایران - چین ایجاد خط لوله نفت است که این خط لوله تقریباً با پیمودن مسافت ۶۲۰ مایل نفت را به دریای خزر انتقال می‌دهد و از آنجا بوسیله خط لوله چین - قزاقستان به کشور چین منتقل می‌شود. این پیشنهاد، تلاش‌های زیاد آمریکا را برای اداره کردن خط لوله باکو - تفلیس - جیحون و سست کردن کوشش‌های ایران در مورد صادرات نفت بی‌نتیجه می‌کند. در سال ۲۰۰۴ تجارت دوجانبه چین و ایران به ۷ میلیارد دلار رسید که نسبت به تجارت دوجانبه ۴ میلیارد دلاری در سال ۲۰۰۳، ۴۲ درصد رشد نشان می‌دهد. در سال ۲۰۰۴ تجارت‌های غیرنفتی دو کشور به ۱ میلیارد دلار رسید و در سال ۲۰۰۵ دو برابر شد.<sup>۵</sup> پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۰۸ تجارت ایران و چین به بیش از ده میلیارد دلار برسد. به هر حال این تجارت دوجانبه در برابر تجارت ۲۰۲ میلیارد دلاری چین و آمریکا در سال ۲۰۰۵ ناچیز است.<sup>۶</sup>

با رشد سریع اقتصادی و افزایش مصرف کالاهای خارجی در ایران، نسبت روابط بین یکن - تهران به روشنی معلوم است. چین در ساختن مترو تهران به ایران کمک می‌کند و دومین پروژه حمل و نقل در ایران (آزاد راه تهران-شمال) را در دست اجرا دارد. همچنین چین در حال ساختن بزرگراه و باند پرواز برای ایران است. در حال حاضر توسعه زیربنایی در چین با سرعت حیرت‌آوری رو به پیشرفت است. در سال ۲۰۰۳ کارخانه اتومبیل‌سازی چری به ایران راه پیدا کرد و قرار است سالانه ۳۰۰۰۰ ماشین در این کارخانه تولید شود. امروزه بیش از ۱۰۰ قرارداد مختلف بین ایران و چین منعقد شده است. بازار داخلی ایران ظرفیت جذب کالاهای چینی را به خوبی دارا است و این روند با تقویت استراتژیک جاده ابریشم ادامه خواهد یافت. مدیرمسئول روزنامه کیهان حسین شریعتمداری اخیراً تحرکات ایران و چین را بهتر توصیف کرده است: "امروزه برای ما قطعنامه‌ها کارایی ندارد، زیرا ما گزینه‌های انتخابی بسیاری را نظیر چین در عرصه بین‌المللی داریم."<sup>۷</sup>

در این سال‌ها، چین برای بدست آوردن نفت و گاز دنیا را مورد جستجو قرار می‌دهد. امروزه استراتژی پکن تا حد ممکن سیاست و انرژی را جداگانه دنبال می‌کند. دولت بوش، چین را به عنوان یکی از اعضای شورای امنیت تحت فشار قرار داده است تا در عرصه روابط بین‌الملل با بازیگرانی از قبیل ایران و کره شمالی برخورد کند و ادعای پکن را مبنی بر اینکه زور در وقت بحران برای صلح می‌تواند کارساز باشد را به اثبات برساند. در واقع این توجیحات، مسبب حمایت‌های اولیه چین برای ارجاع [پرونده] هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل بود. اما به رغم آنکه، چین تحت فشارها به گروه ارجاعی [پرونده] به شورای امنیت پیوست، در عین حال مسکو و پکن ارتباط دیپلماتیک خود را با تهران حفظ کردند. هم اکنون چینی‌ها با طرفداری از دوستان روسی‌شان در شورای امنیت اعلام کرده‌اند که: "هر عمل و تصمیم‌گیری که مربوط به شرکا باشد باید بر چگونگی کمک کردن به پایان دادن موضوع هسته‌ای ایران و چگونگی حفظ صلح و ثبات در این منطقه متمرکز باشد."<sup>۸۱</sup> نکته جالب توجه این است که در بعبوه جنجال هسته‌ای ایران، پکن و تهران تمایزشان را در مرحله نهایی مذاکرات، برای توسعه حوزه نفتی یادآوران در جنوب ایران آغاز کرده‌اند. زمان شروع مذاکرات بیانگر این نکته است که هر دو طرف می‌ترسند که این اجبارها، التزامها و تحریم‌ها، سرمایه‌گذاری‌های آینده را تحت فشار قرار دهد بنابراین درصدد حمایت و حفظ قراردادهای دوجانبه خود هستند.

چین ابراز تمایل کرده است به شرطی که تلاش‌های ایران و کره شمالی بر اساس دیپلماسی صلح‌آمیز باشد در حل مسائل هسته‌ای آنان نقشی فعال بازی کند، اما ابهامی در اینجا وجود دارد و آن، این است که چرا چین آماده پشتیبانی از تمهیدات تنبیهی به رهبری آمریکا است، تمهیداتی که می‌تواند به منافع ملی چین زیان برساند به عنوان نمونه، در سال ۱۹۹۷ پس از فشارهای قابل توجه آمریکا، چین روند تجهیز کردن ایران را به هر نوع تکنولوژی وابسته هسته‌ای را متوقف کرد. امروزه چین تمایل دارد تا از فعالیت‌های آمریکا علیه دوستان و تأمین کنندگان انرژی مورد نیاز خود همچون ایران حمایت کند. که این امر می‌تواند هشدار برای تأمین کنندگان انرژی پکن، نظیر سودان و برمه نیز باشد.

برای پکن، تعادل منابع انرژی و تجاری در محیط پر تنش بین‌الملل امروز، بستگی به نوع رفتار مخاطره آمیز تهران و فشارهای آمریکا و اروپا در برابر ایران دارد. با وجود

مطالبات داخلی، چین همواره از استفاده از حق وتو برای ساقط کردن اقدامات آمریکا علیه ایران در شورای امنیت در دهه گذشته خودداری کرده است.<sup>۹</sup>

این بخش قابل توجه در مورد روابط چین - آمریکا به بیانیه رسمی شانگهای در سال ۱۹۷۲ باز می‌گردد که پکن هیچ تمایلی برای کنار گذاشتن مفاد این بیانیه ندارد. برای چین ادامه روابط مفید خود با واشنگتن از لحاظ سیاسی بسیار حائز اهمیت است که با حفظ امنیت انرژی و منافع استراتژی چین باید با دقت نظر فزاینده‌ای بطور مداوم گسترش پیدا کند. پکن با دقت نظر و احتیاط بیشتری با مشکلات دست و پنجه نرم خواهد کرد.

#### ۴- روس: استقبال از خطر

ایران و روسیه با توجه به اینکه در یک منطقه جغرافیایی واقع شده‌اند در طول تاریخ با یکدیگر در ارتباط دوجانبه بوده‌اند. نفوذ نیروهای سلطنتی روسیه در دربار قاجار و موانعی که بر سر راه دموکراسی در قانون اساسی مشروطه [۱۹۰۵ م / ۱۲۸۵ هـ.ش] ایجاد می‌کردند، مثال زدنی است. در طول جنگ جهانی دوم، اتحادیه جماهیر شوروی به شمال ایران حمله کرد و پس از اتمام جنگ از عقب‌نشینی کردن از مرزهای آذربایجان ایران خودداری می‌کرد. با وقوع انقلاب کمونیستی، ایرانیان رابطه ناپایداری را با همسایه شمالی خود یعنی شوروی برقرار کرده بودند. فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی و عقب‌نشینی آنها از افغانستان، منجر به بهبود روابط ایران با روسیه شد. در واقع با شکل‌گیری جمهوری‌ها در آسیای مرکزی و قفقاز همکاری مابین این کشورها آغاز شد.<sup>۱۰</sup> در نتیجه آنها شروع به همکاری در دریای خزر، تجارت در منطقه‌ای وسیع و توسعه نیروگاه هسته‌ای [در ایران] کردند.

ایران از استراتژی تقویت نیروهای روسی در چین و تاجیکستان حمایت کرد.<sup>۱۱</sup> روسیه و ایران همکاری‌های سیاسی خود را در افغانستان، به محض شکست طالبان دوباره از سر گرفتند که در نهایت این همکاری‌ها منافع هر دو کشور را منتفع ساخت و منجر به همکاری مشترک در زمینه محدود کردن تجارت مواد مخدر شد. در حال حاضر همکاری‌های دوجانبه تجاری ایران و روسیه حدود ۲ میلیارد دلار برآورد می‌شود.<sup>۱۲</sup>



زامداران روسی پیش‌بینی می‌کنند که حجم متغیر مبادلات تجاری ایران-روسیه به ۱۰ میلیارد دلار در چند سال آینده می‌رسد.<sup>۱۳</sup> مسکو با صادر کردن کالاهای مصرفی و تجهیزات نفتی و گازی به ایران این کشور را مورد حمایت خود قرار داده است و در ساختن پروژه‌های بنیادی [زیرساختی] به ایران یاری می‌رساند. روسیه با انعقاد قراردادهایی نظیر ساخت هواپیماهای غیرنظامی، هلی‌کوپتر، تانک و سیستم پدافند هوایی ضمن مجهز کردن ایران، سودهای فراوانی را برای شرکت‌های خود به ارمغان آورده است.<sup>۱۴</sup>

حمایت‌های روسیه در این قراردادها، نه تنها تمایلات ایران را برای ادامه همکاری افزایش نداد بلکه باعث شد که این تجهیزات به عنوان تجهیزات منسوخ و مستعمل قلمداد شود و توافق بر سر سیستم موشکی به یک جنجال تبدیل شد. این سیستم موشکی، منطقه‌ای با برد بیش از ۱۲ کیلومتر را زیر نفوذ خود قرار می‌دهد و می‌تواند هواپیماهای دشمن را ردیابی و مورد هدف قرار دهد و با بکارگیری این سیستم تمام تجهیزات هسته‌ای از جمله نظامی دشمن در امان خواهد بود.<sup>۱۵</sup>

حساس‌ترین مرحله روابط بین ایران و روسیه، همکاری مسکو در ساخت پروژه نیروگاه اتمی بوشهر می‌باشد. روسیه در توسعه پروژه هسته‌ای بوشهر به عنوان یک پروژه تجاری طولانی مدت در آگوست ۱۹۹۲ پیشگام بوده است. این قراردادها برای هر دو کشور پرمفعت است. زیرا که روسیه در ایران به دنبال افزایش نقش خود به عنوان یک تأمین‌کننده تکنولوژی انرژی هسته‌ای می‌باشد و ایران تمایل دارد هر چه زودتر نیروگاه بوشهر را راه‌اندازی کند. در دوران کلیتون، واشنگتن فشار خود را بر روی روسیه افزایش داد تا (روسیه) دست از حمایت‌های خود از پروژه هسته‌ای بوشهر بردارد. دولت آمریکا به شدت با پروژه هسته‌ای بوشهر مخالف است و همه تلاشش را برای متقاعد ساختن همتای روسی‌اش مبنی بر تسلیحاتی بودن برنامه هسته‌ای ایران به کار گرفته است. با وجود این، زمانی که ولادمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ رئیس‌جمهور روسیه شد، اجازه داد تا فعالیت روس‌ها در بوشهر از سر گرفته شود و تاکنون برنامه هسته‌ای مذکور ۸۰۰ میلیون دلار درآمد خالص برای روس‌ها داشته است. اما این همکاری‌ها روس‌ها را در سرآشویی افت روابط با همتای غربی‌اش سوق می‌دهد. مسکو بر این باور است که روابط بی‌نظیرش با تهران ممکن است منجر به یک سطح شفافیت ویژه در خصوص برنامه هسته‌ای تهران شود. در نتیجه روسیه روند تکمیل پروژه بوشهر را به دلایل منطقی به تأخیر انداخت و در اکتبر ۲۰۰۴ ساخت رآکتور را به اتمام رسانید.

به محض اینکه مذاکرات هسته‌ای ایران با سه عضو اتحادیه اروپا (فرانسه، آلمان و انگلستان) پیشرفت چندانی دربرنداشت بلافاصله روس‌ها به ایران فشار آوردند که تحت اعلامیه منع گسترش سلاح هسته‌ای شروع به همکاری کنند. در فوریه ۲۰۰۶ با افزایش تنش در مذاکرات هسته‌ای ایران و اعلام نظر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روس‌ها مجدداً تلاش کردند که با ارائه پیشنهاد غنی‌سازی اورانیوم در خاک روسیه، به عنوان بخشی از سرمایه‌گذاری‌های مشترک ایران - روسیه، نقش یک واسطه را میان ایران و غرب بازی کنند. با عدم حصول پیشرفت در مذاکرات با اعضای شورای امنیت، دولت ایران اظهار داشت که بعد از این به پیشنهادات توجه چندانی نشان نخواهد داد و بر مطالبه بر حق خود پافشاری خواهد کرد و برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای خود را که حق مسلم مردم ایران است دوباره از سر می‌گیرد.

اخیراً سرگی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه، اظهار داشت: "روسیه بطور اساسی فکر نمی‌کند که ادامه تحریم‌ها علیه ایران بتواند منجر به حل و فصل مسالمت‌آمیز مسائل منطقه شود. مخصوصاً در منطقه خاورمیانه، که نتایج عکس بکارگیری این روند [صدور قطعنامه] به کرات دیده شده است"<sup>۱۶</sup> مسکو بر این باور است که تنبیه و مجازات، نتیجه عکس در بر خواهد داشت و باعث قطع روابط مجدد دولت ایران با مسکو خواهد شد. روسها تحت فشار آمریکا به سیاستی زیرکانه برای حفظ استراتژی منطقه‌ای و منافعشان علیه فشارهای بین‌المللی روی آوردند. منافع منطقه‌ای ایران و روسیه با در نظر گرفتن تاکتیک‌های دولت آمریکا در برابر این دو کشور هنوز در جریان است. تهران با شروع پیگیری‌های مجدد مذاکرات هسته‌ای در شورای امنیت، تاکتیک مؤثری را در عرصه بین‌الملل به نفع خود بکار برده است.

با توجه به این موضوع، منافع مشترک ایران - روسیه رابطه بسیار زیادی به مسائل استراتژیک و منطقه‌ای خاورمیانه دارد. پوتین بر ادامه روابط خود با ایران تأکید می‌کند و به واشنگتن و تهران به صراحت اعلام می‌دارد که با وجود تمایلات هسته‌ای ایران، مسکو حاضر نیست روابط استراتژیک خود با ایران را به هیچ وجه مورد تجدیدنظر قرار دهد. ایران این قدرت را داراست که از روابط استراتژیک، تجاری و منطقه‌ای با روسیه بهره کافی ببرد. ایرانی‌ها به خوبی به این نکته واقفند که روسها به مطرح بودن در سطح منطقه‌ای بیش از مطرح بودن در سطح بین‌المللی علاقه نشان می‌دهند.

## ۵- نگاه اجمالی به هند

تا سال ۲۰۱۰، هند به عنوان چهارمین مصرف کننده بزرگ انرژی در دنیا شناخته خواهد شد. در این زمینه دهلی نو با کشورهایی که توانایی تأمین انرژی هند را داشته باشند رابطه برقرار کرده است. هند در عرصه سیاست بین‌المللی در یک اقدام استراتژیک در زمینه انتقال یک خط لوله گاز از خاک پاکستان به هند با دشمن قدیمی خود [پاکستان] شروع به همکاری کرده است. روابط هند با ایران در زمینه کشیدن یک خط لوله انتقال گاز از ایران به هند ادامه دارد. دهلی نو برای مسئولان بلندمرتبه ایرانی از لحاظ تجاری و نظامی و فرآیند تصمیم‌گیری بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

همتاهای سیاسی هندی بنا به دلایل سیاسی، اقتصادی، مذهبی و انرژی، روابط این کشور را با ایران تمجید می‌کنند. اصولاً هندی‌ها به نقش جمهوری اسلامی در جهت همسو کردن مسلمانان پاکستان با اهداف خود توجه دارند. به دلیل اینکه تعدادی از مسلمانان هند از همسایه ایرانی خود حمایت می‌کنند، دولت هند با برقراری رابطه با ایران، از حمایت هواداران شیعی که در داخل این کشور زندگی می‌کنند، برخوردار خواهد شد. هند دومین جمعیت شیعی در دنیا به حساب می‌آید و بهبود روابط با ایران می‌تواند پیام امیدوارکننده‌ای برای حدود ۲۰ میلیون شیعه مسلمان در این کشور به همراه داشته باشد. با این وجود چپ‌گرایان هند، ایران را به عنوان یکی از پیشگامان مبارزه با امپریالیسم آمریکا و عضوی از جنبش غیرمتعهدها به حساب می‌آورند.

اگرچه سیاستگذاران هندی تمایل دارند که روابط نظامی با ایران را کم‌ارزش جلوه دهند، اما روابط استراتژی هند با ایران یک بعد نظامی قابل توجهی دربردارد. در مارس ۲۰۰۳ ایران و هند یک مانور مشترک دریایی را در خلیج فارس به دلیل حضور نیروهای دریایی آمریکا در این منطقه به نمایش گذاشتند. ایران به دنبال جذب کمک‌های هند برای تجهیز کردن نیروهای دریایی و هوایی خود می‌باشد. به خاطر اینکه توپخانه‌های نیروی دریایی هند برای آبهای گرم خلیج فارس از تجهیزات روسی مناسب‌تر است.

هند از طریق ساخت یک کانال حمل و نقل که هند را از طریق افغانستان و ایران به آسیای مرکزی متصل خواهد کرد به خواسته‌های ایران مبنی بر تبدیل شدن به قطب حمل و نقل

منطقه، که خلیج فارس را به آسیای مرکزی متصل می‌کند، کمک اساسی خواهد کرد. براساس این پروژه، هند با مدرنیزه کردن بندر چابهار در تنگه هرمز، ضمن اینکه این بندر را به جاده‌های اصلی متصل می‌کند به ایران در این امر یاری می‌رساند. هند در سال‌های گذشته، پیش‌نویس قراردادی را با ایران و تاجیکستان به امضا رسانده است که بنابر مفاد این قرارداد صادرات هند از طریق خط ریلی ایران از بندرعباس به کشورهای آسیای مرکزی انتقال خواهد یافت. همچنین ایران، هند و روسیه برای بازسازی راه حمل و نقل بین‌المللی شمال به جنوب به توافقات مهمی دست پیدا کرده‌اند. همچنین برای ایجاد یک کانال شرقی که هند، ازبکستان، ایران و افغانستان را به هم متصل کند مذاکراتی انجام گرفته است.

به طور کلی نقش در حال رشد اقتصادی ایران به عنوان یک منبع انرژی برای اقتصاد هند منجر به این شده است که چشم‌انداز اقتصادی ایران به عنوان یک تأمین کننده بلندمدت انرژی برای هند از اهمیت بسیاری برخوردار باشد. اخیراً دو قرارداد به ارزش ۲۲ میلیارد دلار بین ایران و هند در حال بررسی است که در آن ایران متعهد می‌گردد که با صادرات ۵ میلیون تن گاز به صورت سالانه برای مدت ۲۰ سال نیاز هند را برای تأمین انرژی برطرف سازد.

در سال ۱۹۸۹ توافقاتی بر سر مذاکرات اولیه آغاز شد و سرانجام در سال ۲۰۰۶ در روابط دوجانبه ایران و هند نمود پیدا کرد. پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۱۰ - ۲۰۰۹ این خط لوله ۹۰ میلیون مترمکعب گاز را روزانه از منطقه پارس جنوبی به هندوستان و ۶۰ میلیون مترمکعب به پاکستان انتقال دهد. سفیر هند در مورد گاز طبیعی و نفت خام ایران گفت: "ما به منابع گازی ایران احتیاج داریم تا نیازمندی خودمان را به انرژی برطرف سازیم و ما ملزم به اجرای این پروژه‌ها در این کشور هستیم."<sup>۱۷</sup>

با وجود همکاری‌های تجاری بین هند و ایران، هند اقدامات جسورانه‌ای را در روابط خود با ایران انجام داده است. واشنگتن به شدت با خط لوله انتقال گاز مخالف است و به دنبال جایگزین کردن منابع انرژی محلی است تا ایران همچنان در سطح بین‌المللی منزوی باقی بماند. در مواجهه با فشارهای روحی آمریکا، هند بسیاری از اوقات از قطعنامه‌های آژانس انرژی اتمی علیه ایران حمایت کرده است. که این قطعنامه‌ها می‌تواند مشکلاتی را در شورای امنیت برای ایران با بار بیاورد.

اگرچه هند ادعا می‌کند که با فعالیت‌های پشت‌صحنه خود متن قطعنامه‌ها را ملایم‌تر کرده است اما اقدامات هند به طور آشکار تهران را به خشم آورده است. البته روابط گازی بین ایران و هند به خاطر به وجود آمدن تشنج در روابط دو کشور لغو نشد و در نهایت دولت بوش مجبور به تن دادن به آن شد.

بنابراین برخی مسئولان عالی‌رتبه ایرانی تصور می‌کنند که رأی هند یک حرکت تاکتیکی بوده تا به این واسطه آمریکا را برای مدت چند ماه به خود مشغول سازند. اما سؤالی که هم‌اکنون مسئولان ایران را به خود مشغول کرده است مشروعیت دادن دولت بوش به برنامه هسته‌ای هند بعد از سال‌ها مجازات [تحریم] است. در هر صورت، تعدادی از سیاستمداران آمریکایی نگران افزایش سطح روابط هند و ایران هستند. نکته قابل توجه این است که دولت بوش از نخست‌وزیر هند جانبداری می‌کند تا از حمایت‌های [هند] در مورد ایران اطمینان خاطر حاصل کند. اگر کنگره این توافقات تاکتیکی را ممنوع کند، مطمئناً هند از حمایت از گفتمان آمریکا علیه ایران عقب‌نشینی خواهد کرد.

تصمیم هند برای ایران می‌تواند نشانه یک تغییر جهت سیاسی در استراتژی بلندمدت این کشور نسبت به مسئله هسته‌ای ایران باشد که بیانگر این نکته است که دهلی نو با واشنگتن در برخورد و رویارویی با ایران هم‌پیمان خواهد شد. با این وجود نخست‌وزیر هند اعلام کرده است: "باید از رویارویی به هر قیمتی اجتناب ورزید." او اضافه کرد: "برای اینکه دیپلماسی پیش‌رود باید وقت صرف کرد و رویارویی در مسیر تأمین منافع هند در منطقه جایی ندارد."<sup>۱۸</sup>

به خاطر وجود شرایط حساس، هند رویکرد متعادلی را در سیاست بین‌الملل خود اتخاذ کرده است. اولاً هند به خاطر دلایل منطقه‌ای و داخلی و ثانیاً به خاطر دلایل بین‌المللی کوشش می‌کند تا شرق و غرب را متعادل کند. در نتیجه هند می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای را در مذاکرات ایران و آمریکا ایفا کند، با حضور هر دو دولت [ایران و آمریکا] دهلی نو از حمایت هر دو کشور برخوردار خواهد شد. اگرچه، دهلی نو به عنوان رهبر جنبش غیرمتعهدها هنوز در رأس قدرت باقی مانده است اما هند نمی‌تواند هر تحریم سیاسی را بدون نداشتن دلایل ضروری مورد حمایت قرار دهد. هند به دلیل اینکه عضو

دائم شورای امنیت نیست امکان ندارد که در اتخاذ تصمیم دچار اجبار شود. احتمالی ترین انتخاب هند در پی تعویق روابط هسته‌ایش با آمریکا این است که هند بصورت تاکتیکی از سیاستهای آمریکا، درحالیکه روابطش را با دقت با ایران دنبال می‌کند حمایت کند.

## ۶- درگیری‌های بین‌المللی

به خاطر اینکه تهران بصورت استراتژیک دنبال حداقل آسیب‌پذیری است و فرصت‌های اقتصادی موجود در شرق از جمله در روسیه، چین و هند را دنبال می‌کند، بعید به نظر می‌رسد که تهدید به تحریم غرب علیه ایران در حل مسئله هسته‌ای تأثیرگذار باشد. پیش‌بینی می‌شود که روسیه یک استراتژی شبیه به چین را در این بن‌بست مذاکره‌ای اتخاذ کند، استراتژی که در تفرقه بین شرق - غرب، پیشی گرفتن را در نظر است.

روسیه و چین اعضای سازمان همکاری شانگهای هستند، گروهی که متشکل از دولت‌های چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان می‌باشد و در آغاز به عنوان یک سازمان غیرمتعهد، تأسیس شد.<sup>۱۹</sup> با این حساب سازمان همکاری شانگهای می‌تواند تهدیدی برای غرب به حساب آید. ادغام پیمان‌های تجارتهای - انرژی بین کشورها و وابستگی منافعشان به یکدیگر در شورای امنیت ممکن است منجر به شکل‌گیری یک بلوک شرقی شود. اخیراً ایران، پاکستان و هند به سازمان همکاری شانگهای پیوسته‌اند و امید می‌رود که نهایتاً به اعضای دائمی این پیمان تبدیل شوند. محمدرضا عارف معاون رئیس‌جمهور ایران گفت: "ایران می‌تواند به پل ارتباطی میان دولت‌های خلیج فارس با سازمان همکاری شانگهای تبدیل شود."<sup>۲۰</sup> این سازمان، نتیجه ادغام منافع انرژی و امنیتی است که می‌تواند در آینده نه‌چندان دور منافع آمریکا را در دریای خزر و آسیای جنوبی به چالش بکشد. در واقع، بازگشت منطقی ایران به شرق ضمن افزایش روابط پرسود تجاری، منجر به توسعه زیرساخت‌های هسته‌ای، امنیتی، تکنولوژی و انرژی برای تهران می‌شود. به هر حال، این روابط بطور باورنکردنی در موقعیتهای هسته‌ای ایران موازنه برقرار کرده است. عدم وحدت نظر در شورای امنیت در حال حاضر می‌تواند ناشی از روابط استراتژیک چین و روسیه با ایران باشد. محمدرضا ظریف نماینده ایران در سازمان ملل

گفت: "ما می‌دانیم که روسیه و چین راه حل مسالمت‌آمیز را در این برهه‌ی زمانی اتخاذ کرده‌اند و ما از هر دو کشور و اعضای غیردائم شورای امنیت که عضو جنبش غیرمتعهدها هستند سپاسگزاریم" <sup>۲۱</sup>

دولت بوش و بلر برای مبارزه با ایران فشارهای خود را همچنان تشدید می‌کنند، تا بر اثر این فشارها دولت ایران به دولتی منزوی در سطح بین‌المللی تبدیل شود و بر اثر تحمیل تحریم‌ها، ایران در تنگنای شدیدی قرار بگیرد. دولت بوش تاکنون ۷۵ میلیون دلار برای ارتقاء دموکراسی در ایران، از کنگره تقاضا کرده است. <sup>۲۲</sup> تلاش در جهت ارتقاء دموکراسی در ایران، قطعاً در تهران به مثابه تلاش برای تغییر رژیم به حساب می‌آید که ادامه این روند باعث نگرانی‌های امنیتی بسیاری در اذهان مردم ایران شده است.

تاکنون سیاست شرقی دولت بوش به خاطر تصمیمات این دولت و به علت سیاست جهانی شدن، مجبور به تسلیم [سازگاری] درمقابل کشورهای دیگر شده است. بنابراین گزینه‌های سیاسی تأثیرگذر در رابطه با ایران بسیار محدود است. تسلیم شدن آمریکا در مقابل دیگر کشورها اگرچه منافی برای دولت بوش به همراه داشته است اما منجر به سازش با آژانس انرژی اتمی و شورای امنیت شده است.

دولت بوش فشارها روی ایران و کشورهای دیگر را از طریق قطعنامه تحریم ایران - لیبی که در سال ۲۰۰۱ برای مدت ۵ سال و پس از آن در سال ۲۰۰۶ دوباره تمدید شد افزایش می‌دهد. نمایندگان کنگره هنوز متمایلند تا لایحه‌ای را به عنوان آزادی در ایران و فعالیتهای حمایتی از انجمن‌های داخلی مربوطه دنبال کنند، لایحه‌ای که براساس آن به جرج دبلیو بوش اختیار خواهد داد تا تحریم‌هایی را علیه هر شرکتی که بیش از ۲۰ میلیون دلار در حوزه انرژی ایران سرمایه‌گذاری کند، تحمیل کند. <sup>۲۳</sup> پیش از این، کنگره به حمایت از حقوق بشر و نیروهای طرفدار دموکراسی در داخل و خارج آمریکا و مقابله با دولت ایران رأی داده بود. <sup>۲۴</sup>

با توجه به اینکه متحدان شرقی جدید ایران، تحریم‌های آمریکا را در بازار انرژی ایران بی‌اثر ساخته‌اند دور از واقع است که این تحریم‌ها بتوانند، حوزه انرژی ایران را تحت فشار قرار دهد. بنابراین اگر این تحریم‌ها بین‌المللی شود بعید به نظر می‌رسد که بوش بتواند

شرکت‌هایی را که در ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند تحریم کند. ظاهراً در ورای این قانونگذاری یک راه‌گریز دقیقی ترسیم شده است که حتی شرکت‌های آمریکایی از طریق شرکت‌های وابسته خارجی می‌توانند در ایران سرمایه‌گذاری کنند. دولت آمریکا از کنگره درخواست کرده است که در برابر تحریم‌های شدیدتر علیه ایران به خاطر حفظ اتحاد خود با دولت‌های متحد ایستادگی به خرج دهد. نیکلاس برنز معاون وزیر خارجه آمریکا از قول کمیته بانکداری سنا گفت: "ما در دیپلماسی هم اکنون در جایی قرار داریم که ... می‌خواهیم دوباره توجهات را بسوی ایران بازگردانیم، نه بسوی متحدانمان. زیرا ما نمی‌خواهیم ائتلاف بین‌المللی را که بوجود آورده‌ایم تضعیف شود." <sup>۲۵</sup> با توجه به آنکه چین، روسیه و هند روابط دو جانبه خود با آمریکا را دنبال می‌کنند ممکن است که معاملاتی بر سر ایران با آمریکا صورت دهند به عنوان مثال سرمایه‌گذاری در ایران را کاهش داده یا متوقف سازند. مخالفت بوش با خط لوله صلح و ارائه پیشنهادات جایگزین به هندی‌ها می‌تواند دال بر وجود چنین توافقات پشت پرده‌ای باشد.

### نتیجه‌گیری

ایران سیاست دقیق ایجاد توازن را در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک خود دنبال می‌کند. سیاستی که براساس آن ایران به شرق تمایل دارد. در مقابل دولت بوش نیز از سیاست وعده و وعید برای ترغیب پکن و دهلی‌نو برای همراهی با آمریکا ولو اینکه غیرموفق آمیز هم باشد، استفاده کرده است. دولت ایران در پناه روابط استراتژیک، تجاری و منطقه‌ای خود با شرق، بر فشار اقتصادی و جاذبه غرب غلبه کرده است. مسئله پرونده هسته‌ای ایران نشان داده است که تهران سیاست توازن شرق در مقابل غرب را دنبال می‌کند. اگر ایران در اجرای این تاکتیک در برابر غرب موفق شود ممکن است این تاکتیک به مثابه الگویی موفق، توسط دیگر کشورها نیز به کار بسته شود. باید توجه داشت که در دنیای جهانی شده امروز با افزایش قدرت اقتصادی آسیا یک جایگزین مناسب برای آمریکا و اروپا در آسیا به وجود آمده است که کشورهایی مانند ایران متمایل به استفاده از آن هستند.



## فهرست منابع و مآخذ:

- 1- Jalal al-Ahmad, *Gharbzadegi: Weststruckness*, trans. John Green and Ahmad Alizadeh, reissue ed. (Costa Mesa, Calif.: Mazda Publishers, 1997).
- 2- Ray Takeyh, "Iran: Assessing Geopolitical Dynamics and U.S Policy Options," *testimony before the U.S. House of Representatives Committee on Armed Services*, June 8, 2006.
- 3- Flynt Leverett and Jeffrey Bader, "Managing U.S. China Energy Competition in the Middle East," *The Washington Quarterly* 29, no. 1 (Winter 2005- 2006): 187-201.
- 4- "China to Become Iran`s Primary Trade Partner: Chinese Envoy, ", *Islamic Republic News Agency (IRNA)*, January 17, 2006, <http://www.irna.ir/en/news/view/menu-34/0601166176233040.htm>.
- 5- Ibid.
- 6- Robert Scott, "Trade Picture," February 10. 20067, [http://www.epinet.org/content.cfm/webfeatures\\_econindicators\\_tr\\_adepect20060210](http://www.epinet.org/content.cfm/webfeatures_econindicators_tr_adepect20060210).
- 7- Robin Wright, "U.S. Veto Fears as China-Iran Links Grow Stronger," *Standard*, November 19, 2004, [http://www.thestandar.com.hk/news\\_detail.sdp?pp\\_cat=&art\\_id+13689&sid+&con\\_type+1&d\\_str+20041119&sear\\_year+2004](http://www.thestandar.com.hk/news_detail.sdp?pp_cat=&art_id+13689&sid+&con_type+1&d_str+20041119&sear_year+2004).
- 8- "Attempts to Break UN Impasse on Iran Stall," *Reuters*, March 23, 2006.
- 9- Dingli Shen, "Iran`s Nuclear Ambitions Tests Chinas Wisdom, " *The Washington Quarterly* 29, no.2 (Spring 2006): 55-66.
- 10- James Owen, "Russia and Iran: Old Neighbors and New Rivals," *Open Democracy*, March 30, 2006, <http://www.opendemocracy.net/debates/article.jsp?id+6&debateId+28&articleId+3407>.
- 11- Vladimir Orlov and Alexander Vinnikov, "The Great Guessing Game: Russia and the Iranian Nuclear Issue," *The Washington Quarterly* 28, no.2 (Spring 2005): 49-66.
- 12- Hannes Adomeit, "Russia`s Iran Policy," *SWP Comments*, no. 9 (March 2006): 1-4, <http://www.swp->

[berlin.org/common/get\\_document.phd?id+1621&PHPSESSID+76aced9dffe4884ba35225588bb2e684](http://berlin.org/common/get_document.phd?id+1621&PHPSESSID+76aced9dffe4884ba35225588bb2e684).

- 13- Ibid.
- 14- Ibid.
- 15- Ibid.
- 16- Glenn Klesser, "Rice to Focus on Broad Concerns About Iran," *Washington Post*, March 30, 2006, p.A16.
- 17- Paranjay Guha Thakurta, "India`s Iranian Gas," *Asia Times*, February 15, 2006, [http://www.stimes.com/stimes/South\\_Asia](http://www.stimes.com/stimes/South_Asia).
- 18- Embassy of Inia, "Reply by Prime Minister Dr, Manmohan Singh to the Lok Sabha (*House of the People*) Debate India`s Vote at the IAEA on Iran`s Nuclear Programme," Washington, D.C., March 5, 2006.  
[http://www.indianembassy.org/newsite/press\\_release/2006/Mar/2/asp](http://www.indianembassy.org/newsite/press_release/2006/Mar/2/asp).
- 19- Sergi Blagov, "The Geopolitical Blance in Central Asia Tilts Towards Russiaa," *Eurasia Insightm* July 6, 2005, <http://www.eurasianet.org/departments/insight/articles/eav070605a.shtml>.
- 20- Ibid.
- 21- "Iran Ready to Continue Cooperation With IAEA, March 30, 2006, <http://www.irna.ir/en/news/view/menu-234/0603306512173004.htm>.
- 22- <http://usinfo.state.gov/mena/Archive/2006/Feb/15-116807.html>.
- 23- Iran Freedom Support Act of 2005, HR 282, 109<sup>th</sup> Cong., 1<sup>st</sup> sess.
- 24- James Phillips, "Dealing With Iran`s Resurgent Hardliners," *Executive Memorandum*, no. 977 (August 11, 2005), <http://www.heritage.org/Research/MiddleEast/em977.cfm>.
- 25- "Statement of the Honorable R. Nicholas Burns, Under Secretary for Political Affairs, Department of State, Reauthorization of the Iran Libya Sanctions Act," *U.S. Senate Committee on Banking Housing, and Urban Affairs*, June 22, 2006. ¶